

نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های جهان عرب (۲۰۱۱-۲۰۱۲)

علی امیدی^۱ - مهرداد رشیدی علویجه^۲

چکیده

سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ شاهد دگرگونی و حوادث بزرگی در جهان عرب بود. موج آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی و انقلاب، جهان عرب را فراگرفت و این موج با استعفای عبدالله صالح، دیکتاتور یمن به اوج خود رسید. از زمان وقوع انقلاب در کشورهای فوق‌الذکر مطالب گوناگونی درباره نقش رسانه‌های جمعی مانند شبکه‌های تلویزیونی، خبری یا ماهواره‌ای، جراید و مطبوعات و ... همچنین رسانه‌های جدید یا دیجیتال مانند سایت‌های اینترنتی اعم از شبکه‌های ارتباطی مجازی مانند فیس‌بوک، توئیتر و ... در پیشبرد روند این اعتراض‌ها و انقلاب‌ها نوشته شده است. رسانه‌ها با آگاهی دادن به مردم، انتشار اطلاعات و گسترش عقاید آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی به منزله یکی از عوامل تسریع‌کننده این انقلاب‌ها به حساب می‌آیند. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین مختصر مشخصات انقلاب‌های عربی، به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد: رسانه‌های جدید چه تأثیری بر انقلاب‌های عربی داشته است؟

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، انقلاب‌های عربی، رسانه‌های دیجیتال، انقلاب، بسیج سیاسی

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۵/۱۹

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

ali.omidi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

mehrdad.rashidi@yahoo.de

مقدمه

شاید پرکاربردترین واژه‌هایی که در یک‌سال گذشته دائم از سوی رسانه‌های گوناگون، شبکه‌های خبری، جراید، روزنامه‌ها، مجله‌های سیاسی و... به کار رفته «انقلاب‌های عربی» یا «بیداری اسلامی» باشد.

انقلاب‌های عربی به اعتراض‌ها، تظاهرات و انقلاب‌های انجام‌شده در کشورهای شاخ آفریقا و حوزه خلیج فارس اطلاق می‌شود. جریان این انقلاب‌ها از هجدهم دسامبر ۲۰۱۰ و از کشور تونس در پی خودسوزی جوانی به نام «محمد بوعزیزی» در یکی از شهرهای این کشور آغاز شد و موج این انقلاب‌ها ابتدا دیگر مناطق کشور تونس و سپس مانند دومینو سایر کشورهای شاخ آفریقا و عربی حوزه خلیج فارس را درنوردید و بنیان دیکتاتورهای این کشورها را که سال‌ها بود بر تخت حکومت تکیه زده بودند ریشه‌کن کرد (Angrist, 2010: 464; Comninos, 2011).

بی‌شک مردم، آغازکننده، ادامه‌دهنده، عاملان و صاحبان این انقلاب‌ها هستند، اما در این میان نباید از نقش رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های جدید و به اصطلاح «دیجیتال» به‌مثابه عامل تسهیل‌کننده این انقلاب‌ها چشم‌پوشی کرد. در سال‌های اخیر تعداد کاربران رسانه‌های جدید در کشورهای عربی افزایش چشمگیری یافته است (Aiello, 2011).

از مهم‌ترین دلایل گرایش مردم به‌خصوص جوانان این کشورها به رسانه‌های جدید در سال‌های اخیر می‌توان به محدودیت‌ها و حد و مرزهای اعمال‌شده از طرف دولت‌ها درباره هر نوع اظهارنظر و انتقاد به دولت و دولتمردان، سیاست‌کنترل و انحصار رسانه‌ای (یعنی عدم امکان ابراز عقاید مخالف از طریق روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون در این کشورها) و همچنین خفقان و ممنوع بودن هر گردهمایی و تجمع اشاره کرد (Lubrano, 1997: 97; Fischer, 1992; Angrist, 2010: 95-100).

کار و نقش جامعه و مردم در این کشورها فقط به وظایف غیرسیاسی محدود می‌شد و هر گردهمایی و تجمع؛ چه سیاسی و چه غیرسیاسی، بدون اجازه دولت ممنوع بود. با روی کار آمدن این رسانه‌ها، انقلابی در فناوری ارتباطی رخ داد که برای جوانان و سایر فعالان سیاسی این امکان را فراهم کرد تا در محیطی جدید و به دور از محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها، به تبادل اطلاعات و اشاعه نظرها و عقایدشان بپردازند (Schillinger, 2011).

فرض این مقاله بر آن است که افراد معترض و انقلابی در کشورهای مذکور به کمک رسانه‌های جدید: ۱. با نشان دادن چهره واقعی دولت و دولتمردان، بی‌عدالتی‌ها و فساد آنها، روشن کردن افکار مردم و آگاهی دادن به آنها و تغییر موضع آنها به حکومت در جهت مخالفت ۲. فراهم کردن محیطی آزاد برای اشاعه عقاید، همفکری و ابراز عقاید مخالف (Howard & others, 2011) ۳. سازمان‌دهی، ارتباط و برنامه‌ریزی اعتراض‌ها و راه‌پیمایی‌ها ۴. برانگیختن حس انسانی و اجتماعی آنها از طریق نمایش و انتشار اخبار و صحنه‌های دردآور و تأسف برانگیز همچون خودسوزی جوان تونس و بزرگ‌نمایی اتفاق‌های صورت گرفته، باعث تسریع و سهولت در به بار نشستن و موفقیت این انقلاب‌ها شده‌اند.

در مقاله حاضر با استفاده از آخرین منابع کتابخانه‌ای لاتین و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، شرح مختصری درباره تأثیر رسانه بر بسیج سیاسی و «انقلاب‌های عربی» ارائه می‌دهیم و سپس سعی می‌کنیم به این پرسش اصلی، یعنی «رسانه‌های جدید بر انقلاب‌های عربی چه تأثیری دارد؟» پاسخ دهیم.

تأثیر رسانه بر بسیج سیاسی (چارچوب نظری)

رسانه‌ها در عصر حاضر به منزله پایگاه انتقال اطلاعات، پیام‌ها و افکار بین انسان‌ها،

البته نه به صورت حضوری و فیزیکی، بلکه در محیط مجازی و غیرحضوری به حساب می‌آیند (Lubrano, 1997: 151). پرسش مهم این است که نقش دسترسی به اطلاعات در راستای تقویت دموکراسی، حکمرانی مطبوع و بلوغ سیاسی جامعه چیست؟ بسیاری از دانشمندان علم سیاست از دیرباز مدعی بوده‌اند که وجود رسانه‌های مستقل برای هر ملتی در روند دموکراتیزه شدن^۱ سیاسی آن، کمک به تحقق حق آزادی بیان، اندیشه و عقیده در جامعه، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در برابر مردم و بالاخره ایجاد تریبون همگانی و شبکه‌ای برای ابراز عقاید سیاسی احزاب و گروه‌های ذی‌نفع، لازم و ضروری است (Sen, 1999: 5-35).

نقش کارآمد و پررنگ این رسانه‌ها وقتی بیشتر به چشم می‌آید که تنها راه ابراز عقاید مخالف و متناقض با سیاست دولت‌های اقتدارگرا و به دور از هر محدودیت، حد و مرز و خودسانسوری از سوی فعالان سیاسی باشند. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در راه‌اندازی، سازمان‌دهی، رهبری و پیشبرد اقدامات، جنبش‌ها، حرکت‌ها و اعتراض‌های دسته‌جمعی انکارناپذیر است. اعتقاد بر این است که رسانه‌های جمعی از قبیل: شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره‌ای، روزنامه‌ها و حتی تبلیغات، اعلامیه‌ها و همچنین رسانه‌های دیجیتال^۲ اعم از اینترنت، شبکه‌ها و وبلاگ‌های شخصی در کنار ارتباط‌های دیداری^۳ در بسیج سیاسی، ترغیب و تشویق مردم به شرکت در اقدامات و سازمان‌دهی آنها نقش مهمی ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها از طریق دادن اطلاعات و تجربه‌ها و آگاه کردن مردم به وظایف و نقش سیاسی‌شان در جامعه و حق و حقوق خود، نقش چشمگیری دارند (Howard & others, 2011).

1. Democratization
2. Digital Media
3. Face to Face

همچنین، این رسانه‌ها اطلاع‌رسانی را از انحصار مطبوعات و اصحاب جراید خارج کرده و در اختیار همگان قرار داده‌اند. از سوی دیگر، رأی‌دهی را آسان و نظرخواهی و نظرسنجی را به اعماق جامعه برده‌اند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰). در کل می‌توانیم بگوییم دسترسی آسان و آزاد به اطلاعات نتایج ذیل را در پی داشته است:

۱. امکان خارج شدن انحصار رسانه از چنگال دولت و مالکیت خصوصی آن را فراهم خواهد کرد.

۲. گستره دسترسی به اطلاعات را افزایش خواهد داد.

۳. امکان تقلب و دست‌کاری اطلاعات را از سوی دولت کاهش می‌دهد.

درواقع با شروع دسترسی به اطلاعات بدون حد و مرز، دموکراسی یکپارچه قوام می‌یابد و مردم در نقش ناظران، از فساد و سوءعمل (دولت) جلوگیری می‌کنند. این امر همچنین به ایجاد محلی همگانی برای ابراز عقاید گوناگون در مذاکره‌های عمومی و نیز تأکید بر مشکلات به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها منجر خواهد شد (Hayden, Leslie & Ogundimu, 2002: 20 - 35).

رسانه‌ها به منزله مکانی اجتماعی و همگانی برای مذاکره‌های سیاسی هستند و در اکثر مواقع نیز می‌توانند تبیین‌کننده دستور کار^۱ سیاست‌گذاران باشند و موجب ارتقای پاسخگویی دولت به مسائل اجتماعی شوند. به عقیده «سن»^۲ اشاعه آزادانه اطلاعات، امکان ابراز خواسته و صدای مردم فقیر را فراهم می‌آورد و منجر به اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه‌تری برای نیازها و اولویت‌های اقتصادی می‌شود (Adsera, Boix & Payne, 2003: 68).

1. Agenda
2. Sen

رسانه‌های خبری در کنار شبکه‌های خبری اینترنتی در نقش خود در جایگاه «ناظران»^۱ می‌توانند در ارتقای شفافیت امر حکومتی، مسئولیت‌پذیری (دولتمردان)، تفحص عوام درباره‌ی تصمیم‌سازان سیاسی، برجسته کردن خطاها در خط‌مشی‌های متعدد دولت، نشان دادن اهمال در انجام وظیفه^۲ از طرف مسئولان امور مربوط به مردم، زدوبندهای قضات و نیز فساد در گروه‌ها و بخش‌های عملیاتی دولت نقش چشمگیری ایفا کنند (Besley & Burgess, 2001:629-640; Prat, 2003).

«فیلیپ هاوارد» پیش از وقوع انقلاب در مصر، با توجه به تحقیقی که درباره‌ی کشورهای اسلامی انجام داد، ادعا کرد که اینترنت موجب تقویت و برقراری شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بوده و به بسیج سیاسی مردم ختم شده است. اینترنت به دلیل سرعت، محدود نبودن و دسترسی در سطح جهانی موجب گسترش (اطلاعات) وقایع، اخبار و روند حوادث سیاسی در سطح جهان است (Howard, 2009, 2010).

نکته‌ی دیگر آنکه پیشرفت در فناوری وسایل ثبت و ضبط تصاویر همچون دوربین‌های تصویربرداری و عکاسی نه تنها امکان دسترسی عوام را به این وسایل فراهم آورده، بلکه به فعالان سیاسی و دیگران این امکان را می‌دهد که اعمالی از قبیل: تجاوز به حقوق بشر از سوی دولت، کوتاهی دولت در انجام وظایف خود، همچنین خشونت‌ها و وحشیگری‌های پلیس در برخورد با تظاهرکنندگان در خیابان‌ها و دیگر وقایع روزمره را ثبت و ضبط کنند و در اختیار خیل عظیم جامعه‌ی کاربران اینترنتی قرار دهند (Cole, 2011).

درواقع رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های جدید و دیجیتال به دلیل آزادی عمل بیشتر و محدودیت کمتر حس تعلق به جامعه برای پیوستن به حرکت‌های جمعی را

1. Watchdog
2. Maladministration

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱
در افراد ایجاد می‌کنند و حس تنهایی، محدودیت و ترس آنها برای شرکت در این اقدامات و جنبش‌ها را به حداقل می‌رسانند.

انقلاب‌های عربی چیست؟

سال ۲۰۱۱ میلادی با تحولات عمده‌ای در جهان عرب همراه بود؛ مردمان کشورهای عربی شاخ آفریقا و حوزه خلیج فارس بر ضد حاکمان استبدادی و به منظور برکناری آنها و برقراری شیوه حکومت مشارکتی و مبتنی بر اصل مردم‌سالاری در کشورهای خود دست به اعتراض‌ها و راه‌پیمایی‌های وسیع و همه‌جانبه زدند. علت نام‌گذاری این انقلاب‌ها به انقلاب‌های عربی نیز همین امر بوده است.

درواقع از مهم‌ترین اهداف این اعتراض‌ها و تظاهرات می‌توان به عدالت‌خواهی، نفی اقتدارگرایی، امکان مشارکت سیاسی مستقیم و غیرمستقیم مردم در امور مملکتی، دموکراسی‌خواهی، ایجاد امکان فعالیت آزاد سیاسی برای احزاب گوناگون سیاسی و گروه‌های فشار، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی، رفاه اقتصادی و کاهش فقر و بیکاری در کشور و تدوین قانون اساسی و از همه مهم‌تر، ایجاد پارلمان از سوی معترض‌ها و انقلابی‌ها اشاره کرد (Angrist, 2010: 467).

جرقه این انقلاب‌ها در کشور تونس و در پی خودسوزی محمد بوعزیزی، جوان تونسی در یکی از شهرهای دورافتاده این کشور در مقابل ساختمان شهرداری زده شد و موج آن مانند دومینو سایر مناطق کشور تونس و سپس دیگر کشورهای شمال آفریقا و عربی حوزه خلیج فارس را درنوردید و دودمان حاکمان مستبد و مزدور این کشورها را به باد داد که آخرین آن «علی عبدالله صالح»، رئیس‌جمهور یمن، بود. درواقع خودسوزی بوعزیزی، مردم دنیای عرب را از خواب زمستانی چندین‌ساله بیدار کرد و به تحرک واداشت.

همان‌طور که گفتیم، آغاز جریان انقلاب‌ها از کشور تونس بود؛ شکل علنی اعتراض‌ها و تظاهرات علیه «بن‌علی» از هجدهم دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و در چهاردهم فوریه ۲۰۱۱ با تبعید او و خانواده‌اش به عربستان سعودی، انقلاب در این کشور به بار نشست (Batty, 2011). موج انقلاب در بیست‌وپنجم ژانویه ۲۰۱۱ به کشور مصر رسید و فقط پس از ۱۸ روز، یعنی دوازدهم فوریه «حسنی مبارک» نیز برکنار شد (El Hamamsy, 2011: 1).

یمن نیز در این زمان شاهد اعتراض‌های گسترده‌ای به‌خصوص در «صنعا»، پایتخت این کشور بود که پس از اتفاق‌های طولانی و مقاومت چشمگیر مردم، علی عبدالله صالح نیز در ژانویه ۲۰۱۲ مجبور به استعفا و ترک وطن شد. «معمّر قذافی»، رهبر و دیکتاتور لیبی، نیز از این جریان بی‌نصیب نماند. اعتراض‌ها و تظاهرات مردم لیبی با سرکوب شدید نیروهای نظامی، تانک‌ها و جنگنده‌های وابسته به دولت همراه بود. این کشور ماه‌ها شاهد درگیری بین نیروهای طرفدار و مخالف قذافی بود به‌طوری که «ناتو» نیز در این جریان مجبور به دخالت شد (Batty, 2011). کشته شدن قذافی پایانی بود بر حکومت بلامنازع او پس از ۴۰ سال! در کشورهای دیگر همچون اردن و مراکش نیز اگرچه تظاهرات به تغییر و برکناری رؤسای حکومتی این کشورها منجر نشد، اصلاحات فراوانی در شیوه حکومتی این کشورها صورت پذیرفت. موج این اعتراض‌ها نیز هنوز در کشورهای بحرین، یمن و عربستان ادامه دارد. مردم این کشورها امیدوارند با ادامه اعتراض‌ها و مقاومت‌های خود همچون دیگر کشورها به موفقیت نائل آیند و با برگزاری انتخابات و تدوین قانون اساسی جدید، شاهد جریانی نو در راه اعتلا، پیشرفت و استقلال کشور خود باشند.

تأثیر رسانه‌های جدید بر انقلاب‌های عربی

نقش رسانه‌های جدید یا دیجیتال همچون اینترنت، فیس‌بوک، توییتر، شبکه‌های ماهواره‌ای و... در آغاز، تداوم و سرانجام انقلاب‌های عربی چیست؟ آیا این رسانه‌ها به منزله ابزار جدیدی برای بسیج سیاسی مردم در تحولات دنیای عرب بوده‌اند؟ آیا این شبکه‌های ارتباطی با عبور از محدودیت‌ها و حد و مرزهای اعمال‌شده از سوی دولت، توانسته‌اند صدای اعتراض مردم را به گوش جهانیان برسانند؟ آیا آنها موفق به تأسیس محیط اجتماعی و ارتباطی جدید شده‌اند؟ آیا آنها جایگزین خوبی برای وسایل ارتباطی کلاسیک همچون روزنامه، رادیو و تلویزیون در کشورهای مذکور بوده‌اند؟

در ابتدای بحث برای روشن‌تر شدن موضوع، لازم است تعریفی اجمالی از رسانه‌های جدید یا دیجیتال و تفاوت آنها با رسانه‌های جمعی ارائه دهیم. به آن دلیل این رسانه‌ها را جدید می‌خوانند که ظهور و بهره‌وری از آنها در مقایسه با رسانه‌های جمعی چون تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها دارای تأخیر زمانی است و شامل اینترنت اعم از: ایمیل، سایت‌های مختلف، وبلاگ‌ها و شبکه‌های ارتباطی چون فیس‌بوک، یوتیوب^۱، فلیکر^۲، توییتر و... می‌باشد و همچنین از آن رو گاهی رسانه‌های دیجیتال خوانده می‌شود که فناوری انتقال پیام آنها دیجیتالی است.

همان‌طور که در قسمت‌های قبل شرح دادیم، جهان عرب در سال‌های اخیر شاهد افزایش فعالیت‌ها و گروه‌های اینترنتی بوده و فعالیت‌های سیاسی در محیط وب و از طریق شبکه‌های ارتباطی مجازی همچون فیس‌بوک و توییتر به‌مثابه ابزاری کارآمد و وسیله تغییر و تحول در منطقه با استقبال زیادی مواجه شده است (Comminos, 2011; Aiello, 2011). در جریان انقلاب‌های عربی نیز رسانه‌های جدید اعم از وب‌پیج‌ها^۳ و شبکه‌های

1. You tube
2. Flickr
3. Web pages

❖ ارتباطی شخصی همچون ایمیل، فیس‌بوک و... برای سازمان‌دهی تظاهرات و تبادل اطلاعات و عقاید، مقدمات شهرت بیش از پیش آنها را فراهم آورد. در این اثنا، دموکراسی دیجیتال در جهان عرب ترقی یافت و این رسانه‌ها تنها راه اجتماع مردم به حساب آمدند.

در هنگام شروع اعتراض‌ها و وقوع انقلاب در جهان عرب، یعنی در ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی، تعداد کاربران شبکه‌های اینترنتی و فیس‌بوک در همه کشورهای که به نحوی موج انقلاب و اعتراض‌ها در آنها در جریان بوده، در مقایسه با سال قبل ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. مثلاً تعداد کاربران فیس‌بوک در آوریل ۲۰۱۰ در کشورهای عربی منطقه، ۱۴ میلیون و ۷۹۱ هزار و ۹۷۲ نفر بوده که این تعداد در ژانویه ۲۰۱۱ در همین منطقه به ۲۱ میلیون و ۳۷۷ هزار و ۲۸۲ نفر رسیده است. همچنین بر اساس آمار، تعداد کاربران فیس‌بوک بین (۱-۳۷) درصد و کاربران شبکه تویتر بین (۸-۱۰) درصد کل جمعیت کشورهای مختلف جهان عرب را تشکیل می‌دهند که در این میان تونس، مصر و بحرین بیشترین کاربران و سوریه و یمن در بین کشورهای عربی منطقه، کمترین کاربران اینترنتی را داشته‌اند.

شایان ذکر است که لیبی از این جمع مستثناست، زیرا تعداد کاربران اینترنتی اعم از شبکه‌های فیس‌بوک، تویتر و... که بر اساس آمار پیش از وقوع اعتراض‌ها در این کشور، ۱۰ درصد کل جمعیت آن را تشکیل می‌دادند، در طول انقلاب عربی در مقایسه با گذشته ۷۵ درصد کاهش یافته و این امر احتمالاً به دلیل فرار کارمندان و اتباع خارجی از لیبی بر اثر ناآرامی‌ها بوده که بیشترین قشر کاربران اینترنتی را تشکیل می‌دادند. نکته دیگر اینکه در طول انقلاب کشورهای عربی نیز تعداد کاربران اینترنت افزایش چشمگیری داشته، مثلاً بر اساس آمار منتشر شده، در پنجم ژانویه ۲۰۱۱ تعداد کل کاربران شبکه فیس‌بوک در کشورهای عربی ۲۱ میلیون و ۳۷۷ هزار و ۲۸۲ نفر بوده که

این تعداد در پنجم آوریل همین سال به ۲۷ میلیون و ۷۱۱ هزار و ۵۰۳ نفر افزایش یافت (United Nations ILO Department of Statistics, 2011).

از مهم‌ترین دلایل گرایش بیشتر مردم به این رسانه‌ها در کشورهای مذکور، همان‌طور که شرح بخشی از آن در قسمت‌های پیش رفت، می‌توان به سیاست تک‌حزبی و همچنین انحصار رسانه‌ای این کشورها اشاره کرد. رسانه‌های این کشورها تنها به وسیله‌ای برای هدایت افکار عمومی در جهت دلخواه دولت، ابزاری برای مشروعیت‌بخشی هرچه بیشتر دولت‌ها و تریبونی برای تخریب چهره گروه‌ها و احزاب مخالف، گروه‌های فشار و معترضان تبدیل شده بودند که این مسائل بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌های داخلی دولتی را در پی داشت (Gerkin, 2011). برای مثال بسیاری از این رسانه‌ها به‌خصوص در مصر و تونس به انتشار وقایع جاری در کشور در طول انقلاب‌ها و اعتراض‌ها علاقه و میل چندانی نداشتند. در این مسیر در بیست‌وششم ژانویه ۲۰۱۱، یعنی یک روز پس از شروع اعتراض‌ها در قاهره، پایتخت مصر، روزنامه‌الاهرام به جای انعکاس اخبار وقایع جاری در مصر، اقدام به چاپ گزارش ناآرامی‌ها در لبنان کرد و ناآرامی‌های پایتخت را نادیده گرفت (Abu-Fadil, 2011).

اگرچه اعداد و ارقام ارائه‌شده در مقایسه با کل جمعیت کشورهای مذکور کم به نظر می‌رسد (منظور تعداد کاربران رسانه‌های جدید است) و احیاناً برای ترغیب و پیشبرد حرکت‌ها و جنبش‌ها کافی نیست، شایان ذکر است افرادی که از رسانه‌های جدید بهره گرفته‌اند بیشتر فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و جوانان بوده‌اند که در مقایسه با دیگران نقش بسیار زیادی در ایجاد و گسترش موج انقلاب‌ها و به بار نشستن آنها داشته‌اند و دسترسی نداشتن بسیاری از مردم این کشورها به این وسایل و شبکه‌ها یا ناتوانی آنها در استفاده از این ابزار، دلیلی بر بی‌تأثیر بودن نقش آنها در موج این انقلاب‌ها نیست (Brady. A, 2011).

می‌توانیم کاربران و فعالان اینترنتی در جهان عرب را بر اساس نحوه فعالیتشان و بهره‌مندی از آن در طول انقلاب‌های عربی به سه دسته‌ای که در ادامه می‌آید تقسیم کرد:

۱. فعالان^۱: به آن دسته از کاربران و فعالانی اطلاق می‌شود که در فعالیت‌ها و جنبش‌های سیاسی، شرکت فعال و مستقیم داشته و از این شبکه‌ها برای سازمان‌دهی فعالیت‌ها، گسترش و پخش اطلاعات و برجسته کردن تأثیر ادامه این سیاست و جنبش‌ها استفاده می‌کنند.

۲. واسطه میانجیگران^۲: آن دسته از فعالانی که جهان غرب را بیشتر مخاطب قرار داده و با نوشتن مطالب درباره وقایع و اطلاعات کشور خود به زبان انگلیسی، آنها را در جریان آخرین اخبار و وقایع کشور خود قرار می‌دهند تا بدین روش حقانیت خود و چهره فاسد دولت‌هایشان را به آنها نشان دهند.

۳. کاربران معمولی^۳: کسانی که در جریان فعالیت‌ها و جنبش‌ها مستقیم شرکت نداشته، ولی در جریان اعتراض‌ها و سیاست‌های داخلی کشورشان (نه فعال، بلکه بیشتر منفعل) قرار دارند و از این شبکه‌ها بیشتر برای کسب آگاهی و آخرین اخبار، اطلاعات و وقایع جاری در کشور استفاده می‌کنند (Lynch, 2007).

عملکرد رسانه‌های جدید در جهان عرب

همان‌طور که گفتیم، رسانه‌های جدید در شروع، تداوم و پیروزی انقلاب‌ها در جهان عرب نقش تسهیل‌کننده داشته‌اند. این رسانه‌ها به‌طور کلی از چهار روش به بسیج سیاسی مردم و هموار کردن راه این انقلاب‌ها پرداخته‌اند:

1. Activists
2. Bridge bloggers
3. Public sphere bloggers

۱. تغییر دیدگاه مردم درباره حکومت‌هایشان، تغییر فرهنگ سیاسی جامعه به منظور حرکت در راه بلوغ سیاسی از طریق آگاهی دادن به آنها، شناساندن فضای فعلی جامعه و لزوم تغییر آن؛ آگاهی پیش شرط لازم دموکراسی است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰). فعالان و کاربران اینترنتی با ضبط تصاویر گوناگون از وقایع جاری در کشورشان و قرار دادن آن در اینترنت و شبکه‌های گوناگون اجتماعی بدون هیچ خودسانسوری و نگاه غرض‌ورزانه موجب تغییر دیدگاه مردم درباره حکومت‌هایشان و آگاهی آنها شدند (Joyce, 2011: 23-25). از جمله می‌توان به تصاویر برخورد شدید پلیس با معترضان و سرکوب و دستگیری بی‌رحمانه آنها، استفاده ارتش از تانک و جنگنده‌های نظامی برای سرکوب مردم، شلیک مستقیم به غیرنظامیان و گاهی دستگیری و مجازات‌های شدید آنها، نسل‌کشی‌ها، تجاوز به حقوق بشر و نادیده گرفتن حقوق مردم اشاره کرد. مثلاً در ششم ژوئن ۲۰۱۰ در یکی از شهرهای کشور مصر به نام «سیدی گابر»^۱ و در منطقه‌ای به نام «اسکندریه» مأموران پلیس، جوانی به نام «خالد سعید» را در کافی‌نت و به دلیل فعالیت‌های غیرقانونی علیه دولت دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. چند ماه بعد جنازه این جوان در یکی از مناطق همان شهر در حالی که به طرز وحشیانه‌ای کشته شده بود پیدا شد. برخلاف اعلام پلیس مبنی بر اینکه مرگ او به علت بلعیدن مواد مخدر بوده، کاملاً مشخص بود که مرگ او به دلیل صدمه‌های ناشی از شکنجه بوده است (خراسان، ۱۳۸۹).

پس از این جریان، «وائل قونیم»^۲ کارمند مصری شرکت گوگل، که در آن زمان در دبی ساکن بود، در ژانویه ۲۰۱۱ به مصر بازگشت. وی در همین زمان صفحه‌ای را در فیس‌بوک به وجود آورد (Brian & Cole, 2011; Preston, 2011) که در آن ضمن

1. Sidi Gaber
2. Wael Ghonim

❖ قرار دادن عکس خالد سعید، جوان فقید مصری، به جای عکس خود نوشته بود: «ما همه خالد سعید هستیم.»

بسیاری از کاربران مصری فیس‌بوک به پیروی از قانونم ضمن قرار دادن عکس خالد سعید به جای عکس خود در فایل فیس‌بوکشان، خواستار کناره‌گیری مبارک و اتمام این جنایت‌ها شدند (Brady A, 2011). آنها همچنین با قرار دادن عکس جسد خالد سعید در شبکه یوتیوب این تصاویر را برای کل جهان پخش کردند. این صفحه سپس با استقبال بی‌نظیری مواجه شد؛ به طوری که در ماه ژوئن بیش از ۱/۳ میلیون عضو و طرفدار عرب و بیش از ۱۰۰ هزار کاربر انگلیسی‌زبان پیدا کرد و اخبار و جریان‌های مصر را به‌طور گسترده منتشر می‌کرد (Tufekci, 2011). قانونم نیز در این صفحه مردم مصر و کاربران شبکه فیس‌بوک را به شرکت در تظاهرات علیه دولت در بیست‌وپنجم ژانویه در میدان التحریر قاهره دعوت کرده بود (Al Hussein, 2011). پخش اطلاعات و تصاویر تظاهرات و تجمع مردم در این روز در میدان التحریر که با سرکوب مردم همراه بود، موجب سازمان‌دهی و حضور ده‌ها هزار مصری در تظاهرات آتی مصر شد؛ به طوری که در بیست‌وهشتم ژانویه مردم ضمن حضور گسترده در خیابان، این روز را «روز خشم» نام‌گذاری کردند (Wolman, 2011: 13). شبکه خبری ای‌بی‌سی^۱ نیز با دریافت تصاویر خالد سعید از این صفحه فیس‌بوک، آنها را در معرض دید خیل عظیم بازدیدکنندگان اینترنتی خود قرار داد (Cole, 2011; Brian, 2011). جراید مشهور از جمله روزنامه واشنگتن‌پست^۲ هم ضمن مهم شمردن پخش تصاویر جسد خالد سعید و وحشیگری‌های پلیس از شبکه فیس‌بوک، نقش آنها را در وقوع انقلاب مصر بسیار مهم ارزیابی کردند (Londono, 2011).

1. ABC News
2. Washington Post

این رسانه‌ها همچنین با پخش تصاویری از فساد دولتمردان و بزرگ‌نمایی کوتاهی آنها در انجام وظایف خود در قبال شهروندان، سعی در ایجاد تنفر شدید در مردم و تغییر نگاه آنها به حکومت‌هایشان را داشتند. از جمله می‌توان به پخش و انتشار گوشه‌ای از اطلاعات درباره زندگی شخصی متمولانه خانواده بن‌علی، رهبر تونس و سفر همسر او با جت شخصی به اروپا برای خرید اشاره کرد، در حالی که اکثر مردم عادی در تونس در فقر و بدبختی زندگی می‌کنند (Zuckerman, 2008, 2011).

علاوه بر اینها، شبکه‌های خبری مستقل تلویزیونی ماهواره‌ای مانند الجزیره^۱ و العربیه با بهره‌گیری از این شبکه‌ها و سایت‌ها همچون توئیتر و یوتیوب به‌مثابه منبع اطلاعاتی خود و پخش این تصاویر برای جهانیان از تلویزیون، تأثیر این شبکه‌ها را دوچندان کردند که دستاورد آن، نشان دادن حقانیت مردم این کشورها، ایجاد آگاهی و شعور سیاسی در آنها و در نهایت، تسریع در روند انقلاب‌ها بوده است (Tsotsis, 2011). عملکرد دیگر این رسانه‌ها آگاه کردن مردم به حق و حقوق خود در مقابل دولت در مقام شهروند عادی از جمله حقوق ذاتی هر انسان مانند حق آزادی بیان، آزادی دین، آزادی مطبوعات، آزادی گردهمایی‌ها، حق بهره‌وری از منابع ملی به‌طور مساوی، حق تعیین سرنوشت سیاسی کشور خود، حق مشارکت سیاسی و... بوده است.

این رسانه‌ها با گسترش و پخش پیام آزادی و انقلاب، یکی از منابع اطلاع‌رسانی و انسجام‌بخش مردمی شدند که سال‌های سال بود به خواب زمستانی فرورفته بودند. رسانه‌های مختلف اعم از ماهواره‌ای، دیجیتال و غیره در غیاب رهبری انقلابی و مشروع مانند حضرت «امام خمینی» (ره) در انقلاب اسلامی ایران و «مهاتما گاندی»، رهبر فقید مردم هند در مبارزه‌های استعمارستیزی علیه انگلستان، نقش آنها را به خوبی بازی کردند و جریان انقلاب را پیش بردند (Brady. A, 2011). در واقع این رسانه‌ها توانستند

1. Al Jazeera

❖ به دور از هر محدودیت و حد و مرز به مثابه یک مکان آموزشی مجازی در راه اعتلا و باروری فرهنگ جامعه عمل کنند و آن را در مسیر حرکت مطلوب خود و متفاوت با گذشته هدایت نمایند.

۲. رسانه‌های جدید به مثابه محلی آزاد برای ابراز عقاید مخالف، انتقادات و تبادل اطلاعات؛ این رسانه‌ها با ایجاد مکانی امن برای ابراز عقاید مخالف از سوی معترضان و به دور از هراس از دستگیری، سرکوب یا کشته شدن و همچنین به منزله ابزاری سریع و البته جذاب برای تبادل اطلاعات در محیط مجازی، تأثیر بسزایی در انتقال و گسترش پیام انقلاب بین افراد داشته‌اند. این رسانه‌ها حس انزوایی در افراد را زدودند و در آنها حس تعلق به جامعه^۱ را در راه جنبش‌ها و حرکت‌ها ایجاد کردند. در واقع هراس از تنهایی در افراد برای دست زدن به شورش جای خود را به حس قطره‌ای از دریا بودن داد (Tufekci, 2011).

«سامی بن قاریا» فعال سیاسی تونسی است که پیش از انقلاب تونس و از سال ۱۹۹۸ در تبعید به سر می‌برد. دلیل دستگیری او ظاهراً حضور در ایران بوده است. خود او در این باره می‌گوید: «من به ایران علاقه‌مند شدم، زیرا به اسلام سیاسی علاقه داشتم و می‌خواستم دلایل وقوع انقلاب اسلامی در این کشور را دریابم.» قاریا در تبعید، یک سایت اینترنتی^۲ ایجاد کرد که خود درباره آن می‌گوید:

این سایت به‌طور مستقل محلی برای ابراز عقاید و نظرات سیاسی مردم، همچنین پخش اخبار و وقایع تونس به‌طور مستقل بوده است. اکثر اخبار منتشر شده درباره تونس در هنگام ناآرامی‌های این کشور در شبکه الجزیره به وسیله ما از زبان تونسی محلی ترجمه می‌شد و به این شبکه، سایر شبکه‌ها و همچنین شبکه‌های اینترنتی ارسال می‌شد. (2011: 2-3).

1. A Sense of Community
2. www.Nawaat.org

از موارد دیگر نقش این رسانه‌ها در انقلاب‌های عربی می‌توان به اعتراض‌های گوناگون کشور تونس اشاره کرد. در سال ۲۰۰۸ در تونس اعتراض‌هایی علیه دولت از سوی اتحادیه تجاری تونس شد که دولت این راه‌پیمایی را سرکوب کرد. در آن زمان تونس تنها دارای ۲۸ هزار کاربر فیس‌بوک بود و از این شبکه چندان برای اهداف سیاسی استفاده نمی‌شد. در سال ۲۰۱۰ در حالی که فیس‌بوک در تونس ۲ میلیون کاربر داشت، شبکه‌های دیگر آنلاین مانند یوتیوب و توییتر نیز به محل مطمئنی برای پخش تصاویر اعتراض‌ها، سرکوب‌ها، گسترش و اشاعه عقاید تبدیل شده بودند. در همین زمان تونس‌ها در فیس‌بوک صفحه‌ای با این نام طراحی کردند که هدف اصلی آن بسیج سیاسی مردم علیه بن‌علی بود: «آقای رئیس‌جمهور! مردم شعله‌ورند» (Carvin, 2011).

نقش این رسانه‌ها در این مسیر وقتی بیشتر به چشم می‌آید که می‌بینیم دولت‌های کشورهای عربی پیش از وقوع تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها و در جریان آن، از هیچ تلاشی برای ایجاد اختلال در کار آنها دریغ نکردند. از مهم‌ترین اقدامات آنها می‌توان به مواردی که در ادامه می‌آید اشاره کرد:

- شناسایی کاربران و فعالان این رسانه‌ها و دستگیری و مجازات آنها: دولت‌ها با استفاده از اطلاعات شخصی افراد و گاهی تصاویر موجود آنها در وبلاگ‌های شخصی‌شان، دست به شناسایی و دستگیری آنها می‌زدند (Morozov, 2011: 111).

- کاهش سرعت اینترنت یا قطع آن: گرچه در بیشتر کشورهای عربی قانون مدون و رسمی درباره اینترنت برای محدودیت استفاده یا قطع آن وجود نداشت، دولت‌های عربی برای جلوگیری از پخش و گسترش تصاویر ویدئویی اعتراض‌های مردمی، نحوه برخورد و واکنش دولتمردان به آنها و همچنین مبادله اطلاعات و عقاید، سرعت اینترنت را کاهش دادند و صفحه‌های شبکه یوتیوب را که در آن

❖ کلیپ‌های مربوط به اعتراض‌های مردم بود، قطع می‌کردند که این امر در کشورهای بحرین، سوریه و مصر بیشتر از سایر کشورها بود.

- به‌کارگیری افراد وابسته به دولت به منظور نفوذ در این شبکه‌ها و بی‌تأثیر کردن نقش آنها در حرکتهای ضددولتی: دولت با نفوذ در این شبکه‌ها سعی در خنثی و بی‌اثر کردن نقش این شبکه‌ها داشت که در این راه دست به اقدام‌هایی از قبیل: ایجاد شکاف بین مذاهب شیعه و سنی، ایجاد اختلاف بین احزاب، ادیان و قومیت‌های مختلف، نشان دادن چهره معترضان به‌مثابه عواملان خونریزی و منابع اصلی خشونت و درگیری زد.

- بی‌اعتماد کردن کاربران این شبکه‌ها به آنها: عوامل و وابستگان دولت‌ها سعی داشتند با نسبت دادن و متهم کردن عوامل این شبکه‌ها به صفت‌هایی که مردم مناطق مذکور از آن تنفر دارند مثل: بی‌بندوباری، دائم‌الخمری، همجنس‌بازی و... باعث شوند که کاربران از این شبکه‌ها متنفر شوند و اعتمادشان را به آنها از دست بدهند.

- بهره‌گیری از آنها در راستای منافع دولت: دولت در بعضی از کشورهای عربی از جمله مصر از کاربران این شبکه‌ها برای پیوستن به ارتش برای مقابله با معترضان و شورشیان ضدملی و منافق دعوت به عمل می‌آورد (Jarvis, 2011; Wheeler, 2011).

۳. رسانه‌های جدید به‌مثابه مکان و ابزاری برای سازمان‌دهی، انسجام‌دهی و ارتباط گروه‌ها، فعالان، معترض‌ها و انقلابی‌ها در داخل و خارج از کشور؛ فعالان سیاسی و کاربران این شبکه‌ها در کشورهای عربی برای پیشبرد اهداف خود و همچنین تأثیرگذاری بیشتر و سازمان‌دهی به فعالیت‌ها و اعتراض‌های خود، دست به تشکیل گروه‌ها و جمعیت‌های آنلاین و اینترنتی زدند. از جمله این گروه‌ها در کشورهای عربی می‌توان به گروهی به نام «جنبش جوانان ششم آوریل»^۱ در مصر اشاره کرد.

1. The April 6 Youth Movement

این گروه که اساس کار آن با رسانه‌های دیجیتال یعنی فیس‌بوک و توییتر بود، برای سازمان‌دهی فعالیت‌های خود و فرار از سرکوب‌ها و مجازات‌های دولت، اقدام به تشکیل این جمعیت کردند. بدین ترتیب آنها فعالیت‌ها و جنبش‌های استبدادستیزی خود را به محیط وب و مجازی گسترش دادند و پس از یورش در «شهر صنعتی ماهالا»^۱ در مارس ۲۰۰۸ و به منظور حمایت از کارگران، گروه فیس‌بوکی را برای سازمان‌دهی یورش‌های ملی در آن تاریخ تأسیس کردند (Wolman, 2011: 4).

این گروه با استقبال چشمگیری مواجه شد؛ به طوری که پس از سه هفته ۷۰ هزار عضو پیدا کرد که مخالفت‌ها را از حد اعتصاب‌های کارگری به مبارزه‌ها و شورش‌های گسترده در مصر ارتقا داد. برخلاف بسیاری از سرکوب‌ها و دستگیری «ماهر»^۲، یکی از اعضای مؤسس آن، این گروه فعالیت‌های استبدادستیزی خود را حتی تا زمان به بار نشستن انقلاب مصر ادامه داد. ماهر پس از پیروزی انقلاب مصر در مصاحبه‌ای گفت:

امروز ما می‌دانیم که چه گروه مهم و تأثیرگذاری هستیم. چرا دولت ما را دستگیر و سرکوب می‌کرد؟ زیرا ما مشکلی جدی برای آنها بودیم. همه مردم در مصر و خارج از آن ما را می‌شناسند. آنها این گروه را به منزله گروهی ضددولتی و خطرناک برای رژیم قلمداد می‌کنند (ibid: 16).

پس از آن، گروه مشابهی به پیروی از گروه جنبش جوانان ششم آوریل برای سازمان‌دهی جنبش‌ها و مخالفت‌ها در تونس تشکیل شد و این دو گروه از طریق فیس‌بوک با یکدیگر در ارتباط بودند. بر اساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز گروه جوانان ششم آوریل در سال ۲۰۰۹ بیش از ۷۰ هزار کاربر داشته که بیشتر از افراد تحصیل کرده و باسوادترین افراد مصر بودند (Shapiro, 2009).

1. Nile Delta City of Mahalla
2. Maher

همچنین فعالان مصری (جنبش جوانان ششم آوریل) از طریق اینترنت با مرکز استراتژی و جنبش صلح‌آمیز «کانواس»^۱ صربستان که در برکناری و سقوط رژیم «میلوسویچ» در صربستان در سال ۲۰۰۰ نقش عمده‌ای داشت، در ارتباط بودند و از آنها روش سازمان‌دهی تظاهرات صلح‌آمیز و مقابله با سرکوب‌ها را می‌آموختند (Wolman, 2011: 7).

گروه «اخوان المسلمین» نیز که در سال ۱۹۲۶ تشکیل شده بود و به عنوان یکی از گروه‌های مخالف دولت در مصر فعالیت می‌کرد و در کنار حزب کمونیست این کشور سهم بسزایی در براندازی حکومت حسنی مبارک داشتند، از طریق این شبکه‌ها در طول انقلاب‌های عربی با اعضای خود در ارتباط بودند و مکان‌ها و زمان‌های شورش‌ها و راه‌پیمایی‌ها را به اطلاع اعضای خود می‌رساندند (Tufekci, 2011).

«مورسی»، فعال اینترنتی مصری، با اشاره به گروه جنبش جوانان ششم آوریل می‌گوید این گروه و گروه‌های مشابه آن، از این رسانه‌ها برای سازمان‌دهی فعالیت‌ها و حرکت‌های خودشان استفاده می‌کنند. در این فرایند تظاهرات، مخالفت‌ها و شورش‌های بی‌نظم، غیرمنسجم، سازمان‌نیافته و پراکنده از محیط فیزیکی و حضوری خود به محیط مجازی، یعنی محیط‌ها و شبکه‌های اینترنتی منتقل و به صورت قدرتمند، منسجم و سازمان‌یافته دوباره به محیط بیرون، یعنی خیابان‌ها برگردانده شدند (Morsi, 2011).

از دیگر گروه‌ها و احزاب مصر که پیش از انقلاب در این کشور، مخفیانه فعالیت می‌کردند و اساس کار و فعالیت‌هایشان مخصوصاً در سال‌های اخیر با اینترنت و شبکه‌های ارتباطی مجازی بود، گروه «کفیا» است. این گروه که در سال ۲۰۰۴ در مصر تشکیل شد در جریان انقلاب و پیش از آن، در کنار سایر احزاب

1. Canvas

مصر به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداخت و از طریق اینترنت برنامه‌های خود را سازمان‌دهی می‌کرد (Tarek, 2010: 136-137).

از دیگر موارد سازمان‌دهی تظاهرات از طریق رسانه‌های جدید می‌توان به تظاهرات مصر اشاره کرد. برای مثال روز پیش از اعتراض‌های میدان التحریر مصر، یعنی بیست‌وهشتم ژانویه ۲۰۱۱، هم‌زمان با دستگیری وائل قونیم، پیامی در میان کاربران مصری فیس‌بوک منتشر شد که در آن آمده بود: «ما همه خالد سعید هستیم.» در این پیام ۴۳ هزار نفر اعلام کرده بودند که در تظاهرات روز بیست‌وهشتم ژانویه قاهره شرکت خواهند کرد (C.York, 2011).

۴. تشویق و ترغیب مردم به شرکت در اعتراض‌ها؛ رسانه‌های دیجیتال با پخش تصاویر منقلب‌کننده و دردآور وحشیگری‌ها و بی‌رحمی‌های پلیس و مأموران امنیتی دولت در برخورد با معترضان، کشتار مردم بی‌دفاع با تانک و موشک، تفتیش بی‌رحمانه عقاید افراد، حمله به صفوف نمازگزاران و راه‌اندازی حمام خون، به شهادت رساندن زنان و کودکان بی‌دفاع، زیر گرفتن مردم با خودروهای نظامی و... باعث ایجاد حس بشردوستی، تأثر در مردم و ایجاد انگیزه جهاد در راه این انقلاب‌ها شدند. برای مثال با شروع موج اعتراض‌های ضددولتی در کشور بحرین، عده‌ای از معترض‌ها و انقلابی‌ها صفحه‌ای را در شبکه فیس‌بوک به نام «جوانان انقلاب ۱۴ فوریه»^۱ قرار دادند که در آن مردم به راه‌پیمایی و اعتراض علیه دولت این کشور در برابر بی‌عدالتی‌ها، فساد دولتمردان و سرکوب مردم در چهاردهم فوریه ۲۰۱۱ دعوت شده بودند.

در این صفحه این روز به «روز خشم مردم بحرین» نام‌گذاری شده بود، چراکه این روز تاریخی و باارزشی برای مردم بحرین به حساب می‌آمد، زیرا دهمین

1. The Youth of the February 14 Revolution

سالگرد فراندوم منشور «قانون ملی بحرین»^۱ بود که در پی اعتراض‌ها و راه‌پیمایی‌های دهه ۹۰ میلادی در این کشور صورت گرفت و بر اساس آن قرار بود اصلاحات اساسی در جهت دموکراتیک شدن نظام سیاسی این کشور صورت گیرد. کاربران و بازدیدکنندگان این صفحه که شمار آنها در ابتدا ۱۴ هزار نفر بود و سپس به ۲۲ هزار نفر افزایش یافت، ضمن حمایت از این حرکت آمادگی خود را برای پیوستن به موج این اعتراض‌ها اعلام کردند. به دنبال آن، در آن روز و در ۲۵ محل کشور بحرین اعتراض‌های وسیع مردمی در خیابان‌های این کشور صورت پذیرفت که البته با سرکوب خونین مردم از سوی پلیس این کشور همراه بود (Johns & Shehabi, 2012). از دیگر خدمات این رسانه‌ها در راه انقلاب‌های عربی می‌توان به پخش تصاویر خودسوزی محمد بوعزیزی در شبکه توییتر اشاره کرد (Comminos, 2011).

خبر خودسوزی جوان توئسی چنان قلب مردم این کشور و سایر ملت‌های جهان عرب را به درد آورد و آتش او چنان آتشی بر جان آنها زد که بغض خفته در گلویشان را بیرون ریختند و مترسک‌های پوشالی وابسته به غرب را از افلاک به خاک انداختند. آنها موجب گسترش عقاید آزادی‌خواهی و برابری نه‌تنها در جهان عرب، بلکه در کل جهان بودند که پس‌لرزه‌های آن حتی به مهد دموکراسی و لیبرالیسم، یعنی آمریکا رسیده و بروز جنبش ضدسرمایه‌داری در آن کشور ستون سرمایه‌داری، سرمایه‌داران، بی‌عدالتی و استثمار نو را به لرزه درآورده است.

دیدگاه منتقدان به نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های عربی

با همه این تفاسیر، بسیاری به نقش رسانه‌های جدید در وقوع انقلاب در کشورهای عربی به دیده تردید نگریسته‌اند. یکی از این منتقدان «رمی خوری»، روزنامه‌نگار

1. National Action Charter

آمریکایی - اردنی روزنامه نیویورک‌تایمز است که به عدم اهمیت و نقش رسانه‌های جدید یا دیجیتال در تغییر و تحولات اخیر جهان عرب اشاره کرده است. او اظهار می‌دارد جوانان و هزاران وبلاگ‌نویس، این انقلاب‌ها را راه نینداخته‌اند، بلکه آنها از این رسانه‌ها بیشتر برای سرگرمی و گذراندن وقت استفاده می‌کنند (3: Khoury, 2011). «ملکولم گلاذول»، نویسنده و روزنامه‌نگار دیگر روزنامه نیویورک‌تایمز، نیز نقش این رسانه‌ها را در انقلاب‌های عربی بی‌تأثیر دانسته و ادعا می‌کند که این رسانه‌ها به جنبش تنبیل، بی‌حرکت و منفعل^۱ منجر می‌شوند (Joseph, 2011). گلاذول معتقد است که دو نوع ارتباط اجتماعی وجود دارد:

«ارتباط‌های قوی»^۲ که در آن افراد ضمن ارتباط حضوری و فیزیکی با یکدیگر و دعوت دیگران به مقابله و مقاومت دیداری در برابر نیروهای دولتی، به راه‌پیمایی‌های دسته‌جمعی در خیابان‌ها دست می‌زنند و دیگری «ارتباط‌های ضعیف»^۳ که افراد تنها در خانه در محیطی امن جلوی رایانه می‌نشینند و با نوشتن وبلاگ‌ها به اشاعه عقاید خود می‌پردازند (6: 2010).

برای مثال اعضا و کاربران فیس‌بوک با انتخاب گزینه «like» درباره مطالب و اخبار مربوط به اعتراض‌ها و شورش‌ها و حداکثر نوشتن نظر خود درباره آن، هیچ کار مؤثر و مفیدی انجام نمی‌دهند. به نظر گلاذول با افزایش استفاده از این رسانه‌ها، این تفکر در میان کاربران اینترنتی به وجود آمده که فعالیت‌های سیاسی در اینترنت جایگزین مناسبی برای فعالیت‌ها و اعتراض‌های صلح‌آمیز خیابانی است (Adam, 2010).

1. Slackivism
2. Strong Ties
3. Weak Ties

«میکا وایت» در این باره می‌گوید «جنبش چپ»^۱ با «کلیکتیویسم»^۲ رو به انحطاط گذاشته و نابود می‌شود (Atkinson, 2011).

همچنین به نظر گلا دول جنبش واقعی، نیازمند ارتباط‌های قوی فیزیکی و حضوری اشخاص بوده و ارتباط‌های ضعیف و ناقص در محیط مجازی رسانه‌های جدید هیچ تأثیری بر آنها ندارد. او تأکید می‌کند وقایع اوایل دهه ۱۹۶۰ بدون وجود توئیتر، فیس‌بوک و امثالهم اتفاق افتادند. «ما فراموش کرده‌ایم که اصلاً جنبش و فعالیت سیاسی چیست» (Gladwell, 2010: 9).

انقلاب در فناوری انتقال اطلاعات با روی کار آمدن این شبکه‌ها به معنای اهمیت آنها نیست. برای فهم و اثبات اهمیت آنها باید این سؤال را مطرح کرد که آیا این رسانه‌ها مشکلی را در صورت وجود مشکل حل می‌کنند یا خیر؟ اهمیت و نقش این رسانه‌ها در صورتی اثبات خواهد شد که ما یقین پیدا کنیم بدون این رسانه‌ها انقلابی نیز به وجود نمی‌آمد (ibid, 2011).

عقاید مخالف دیگری درباره نقش و تأثیر رسانه‌های جدید از سوی تحلیلگر و کارشناس دانشگاه استنفورد «اوگنی موروزوف»^۳ مطرح شده است. وی می‌گوید:

اولاً استفاده از این رسانه‌ها در مقایسه با دیگر ابزار و وسایل ارتباط جمعی مانند تلغن و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای که مردم از آنها برای انتشار و دریافت اطلاعات و گسترش آگاهی استفاده می‌کنند، بسیار نازل بوده است. از جمله در سال ۲۰۰۸ در کشور لیبی ۱۰۰ درصد مردم موبایل داشتند، در حالی که در همین سال تنها ۷ درصد مردم به اینترنت دسترسی داشتند. برای مثال در زمان تظاهرات مصر نیز مردم در میدان

1. Left Activism
2. Clicktivism
3. Evgeny Morozov

التحریر برای ارتباط با یکدیگر از گوشی‌های موبایل استفاده می‌کردند. همچنین در جریان انقلاب‌های عربی به دلیل وجود و دسترسی به تجهیزات ماهواره‌ای در هر خانه و استفاده آسان از آن حتی برای افراد مُسن و بی‌سواد، شبکه‌های خبری ماهواره‌ای به‌خصوص الجزیره و العربیه منبع شماره یک دریافت اخبار و اطلاعات مردم این مناطق بوده است.

موروزوف می‌افزاید: «مشکل دیگر این رسانه‌ها این بود که در برخی از مواقع دولت‌های کشورهای عربی با استفاده از تصاویر و عکس‌های موجود در این رسانه‌ها که به راحتی در دسترس بودند، اقدام به دستگیری و شناسایی معترضان می‌کردند» (2011:111). این موضوع به همین جا ختم نمی‌شود؛ بیشتر کاربران این رسانه‌ها همچون دیگر افراد مخصوصاً در کشورهای غربی از این رسانه نه برای اقدامات و فعالیت‌های سیاسی، بلکه بیشتر برای سرگرمی، تماشای فیلم‌های تفریحی و گذران وقت استفاده می‌کردند (Ibid, 2009: 377-396). او همچنین عقیده دارد: «توجه بیش از اندازه به این رسانه‌ها نقش برجسته مردم در این حرکت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد» (Ibid, 2011).

در انتقاد دیگری آمده اگرچه رسانه‌های جدید یکی از عوامل وقوع انقلاب در جهان عرب هستند، در نقش آنها اغراق شده است. در تأیید این ادعا باید بگوییم مثلاً در زمان قطع اینترنت از سوی دولت‌های عربی در این کشورها (در مصر اینترنت از بیست‌وهشتم ژانویه تا دوم فوریه برای پنج روز کاملاً قطع شد یا دولت لیبی در هجدهم فوریه اینترنت را کامل در این کشور قطع کرد) (United Nations ILO Department of Statistics, 2011)، جریان اعتراض‌ها متوقف نشد و مردم برای گسترش و سازمان‌دهی تظاهرات و جنبش‌های خود به راه‌های دیگری متوسل شدند و مثلاً برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات و آگاهی به دیگران از راه

❖ دیداری^۱ در مساجد جمع می‌شدند (Levy & Cohen, 2011).

انتقاد دیگری که به نقش این رسانه‌ها وارد شده مربوط به نسبت کاربران آن به کل جمعیت و کیفیت آنهاست. تعداد کاربران اینترنتی در کشورهای عربی در مقایسه با کل جمعیت این کشور بسیار ناچیز است. میانگین کاربران ۳۰ درصد کل جمعیت این کشورها بود. برای مثال در مصر تنها ۲۰ درصد افراد به هر نحو از اینترنت استفاده می‌کردند. اگرچه در جریان انقلاب‌ها، ۷ میلیون کاربر جدید به این تعداد اضافه شد، این تعداد نیز در مقابل جمعیت ۸۹ میلیونی مصر بسیار کم به نظر می‌رسد. همچنین بر اساس اطلاعات اداره جهانی آمار^۲ تنها ۳۰۰ هزار مصری در ژانویه ۲۰۱۱ از اینترنت استفاده کرده‌اند (United Nations ILO Department of Statistics, 2011).

علاوه بر این، بسیاری از مطالب و تصاویر این شبکه به زبان انگلیسی بوده، به همین دلیل فقط تعداد کمی از مصری‌ها قادر به فهم و استفاده از آنها بوده‌اند. در واقع این کاربران تنها قطره‌ای از سیل معترضان خیابان‌ها هستند (Brady, A, 2011). به‌طور کلی اکثر شرکت‌کنندگان در اغلب اعتراض‌ها از طبقه فقیر جامعه و بیشتر افراد بی‌سواد، بیکار، فقیر و سطح پایین جامعه و گاهی جنبش‌های دینی هستند که نه دسترسی به اینترنت دارند و نه حتی قادر به استفاده از آن هستند (Farell, 2006).

در این باره پاسخ داده‌اند کسانی که از اینترنت و شبکه‌های اینترنتی در این دوره برای مقاصد سیاسی استفاده کرده‌اند بیشتر از افراد تحصیل‌کرده، روزنامه‌نگاران و جوانان بوده‌اند. این افراد اولاً عمده‌ترین نقش را در این انقلاب داشته‌اند. ثانیاً کسانی که به این رسانه‌ها دسترسی نداشته یا قادر به استفاده از آنها نبوده‌اند، از طریق سایر وسایل

1. Word of Mouth
2. Internet World Stats

ارتباطی مانند موبایل و شبکه‌های تلویزیونی خبری ماهواره‌ای مانند الجزیره و العریبه در جریان آخرین اطلاعات از وقایع کشور قرار می‌گرفتند. پروفیسور «شیرکی»^۱ در پاسخ به انتقادهای گلاذول، سؤال او دربارهٔ انتقادهای وارد شده به نقش رسانه‌های دیجیتال در انقلاب کشورهای عربی را در ابتدا به دو بخش تقسیم می‌کند:

۱. آیا این رسانه‌ها راهکارهای جدیدی را در اختیار تظاهرکنندگان قرار می‌دهند؟

۲. آیا راهکارهای قبلی برای تظاهرکنندگان سخت و غیرعملی نبوده‌اند؟

شیرکی پاسخ هر دو سؤال را مثبت دانسته و می‌افزاید:

ارتباط‌های قوی مدنظر گلاذول در خیابان‌ها سودی جز به خطر افتادن جان افراد نخواهد داشت، ولی همین ارتباط‌های ضعیف اینترنتی در محیط مجازی باعث گسترش موج انقلاب به سراسر کشور، منطقه و حتی خارج از آن خواهد شد و تأثیر این موج منسجم، بسیار پرثمرتر از ارتباط‌های قبلی خواهد بود (2011: 17).

نتیجه‌گیری

بی‌تردید انقلاب کشورهای عربی متعلق به عاملان آن یعنی مردم است، اما در این میان نباید از نقش رسانه‌های جدید و دیجیتال به‌مثابه تسریع‌کنندهٔ این موج غافل ماند. معترضان و انقلابی‌ها توانستند از تریبون این رسانه‌ها فریاد اعتراض و حقانیت خود را به گوش جهانیان برسانند. این رسانه‌ها با حذف محدودیت‌ها و فاصله‌های فیزیکی، از طریق پخش تصاویر خشونت‌های پلیس در مواجهه با معترضان، فسادها و بی‌عدالتی‌های دولت موجب دمیده شدن روح عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در مردم، بسیج سیاسی و آگاهی آنها شدند. افشای خریدن رأی نمایندگان مجلس کویت

1. Shirky

❖ (Lynch, 2006)، پخش تصاویر پذیرایی از معترضان لیبیایی با تانک و موشک و شلیک و زیر گرفتن معترضان در بحرین تنها قسمتی از این کارها و خدمات بوده است. در صورت نبود این ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی آیا دنیا تا این حد از خودسوزی جوان تونس می‌آگاهی می‌یافت؟ آیا موج انقلاب به سایر مناطق کشور تونس و دیگر کشورهای هم‌جوار منتقل می‌شد؟ این رسانه‌ها با ایجاد محیط جدید اجتماعی و به دور از محدودیت‌های گذشته موجب اشاعه عقاید و همفکری بین مردم در کمترین زمان ممکن شده و در نتیجه آگاهی و انگیزش آنها در راستای ایجاد تحولات شدند. آنها با کاهش هزینه‌ها و مشقت‌های برقراری ارتباط و سازمان‌دهی گروه‌ها، همچون تریبون آزاد اطلاعاتی عمل کرده‌اند. این رسانه‌ها همچنین با راهنمایی، ترغیب و تشویق مردم به ادامه اعتراض‌ها، یکی از عوامل به نتیجه رسیدن این انقلاب‌ها محسوب می‌شوند. اگر کل جریان این انقلاب‌ها را هم فقط ناشی از اراده مردم بدانیم، رسانه‌های دیجیتال در این جریان ارائه‌دهنده محیطی جدید برای شکل‌دهی به شالوده فعالیت‌های سیاسی آتی بوده‌اند. قطعاً این رسانه‌ها عوامل زیربنایی انقلاب‌های جهان عرب محسوب نمی‌شوند، اما بی‌تردید این انقلاب‌ها بدون رسانه‌های جدید چنین ابعاد گسترده‌ای پیدا نمی‌کرد و نادیده گرفتن نقش آنها به منزله نادیده گرفتن یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر این انقلاب‌ها خواهد بود.

منابع و مأخذ

روزنامه خراسان، (یکشنبه: ۸۹/۴/۲۷). «تظاهرات مردم مصر علیه حسنی مبارک»، بی جا، بین الملل، شماره ۱۷۶۰۱.

نقیب زاده، احمد، (۱۳۹۰). «دموکراسی دیجیتال، دموکراسی پدیده ترسناکی نیست»، پایگاه خبری تحلیل فرارو، (دسترسی در ۱۳۹۰/۱۰/۲۵) در:

<http://www.fararu.com/vdca0wn6m49ww1.k5k4.html>

Abu-Fadil, Magda, (2011). "**Media key to covering Egyptian Revolution**", Huffpostmedia, the internet newspaper, [Accessed on 30 January 2011] at:

http://www.huffingtonpost.com/magda-abufadil/media-key-to-covering-egy_b_815920.html

Adams, T. (3 October 2010). "**Twitter and Facebook cannot change the real world, says Malcolm Gladwell, Review of the book The Tipping Point**", the Guardian, [Accessed on 3 October 2011] at: <http://www.guardian.co.uk/books/2010/oct/03/malcolm-gladwell-twitter-doesnt-work>.

Adsera Alicia, Boix Carlos & Payne Mark, (2003). "**Are you being served? Political accountability and governmental performance**", Journal of Law, Economic and Organization, No.1. Africa Center for Strategic Studies, (2011). "**Africa and the Arab Spring: A New Era of Democratic Expectations**", ACSS Special Report, No.1.

Aiello, S. (2011). "**The Face book Revolution Internet, Social Media, and the Globalization of Conflicts in the Middle east**", SSRN, [Accessed on 2 October 2011] at: <http://ssrn.com/abstract=1809668>

Al Hussein, Amira, (7 February 2011). "**Wael Ghonim Released?**", *Global Voices*, vol.1. Angrist, M. P. (Ed.) (2010). *Politics and Society in the Contemporary Middle East*, Boulder: Lynne Rienner Publishers, Inc.

Atkinson, Chris, (2011). "**Is it revolution?**", Greenleft, [Accessed on 9 October 2011] at: <http://www.greenleft.org.au/node/49005>

Batty, David, (26 March 2011). "**Military Action Begins Against Libya**", the Guardian. Beet.tv & Crowley, P. J. (2011). "**PJ Crowley on the Arab Spring: How Social Media Ignited a Revolutionary Movement**", BLIP.TVChannel, [Accessed on 30 January 2012] at: <http://blip.tv/beettv/pj-crowley-5279712>

Besley Timothy & Burgess, (2001). "**Political agency, government responsiveness and the roll of the media**", *European Economic Review*, vol.1

See also Besley Timothy, Burgess Robin and Prat Andrea, (2003). *In the Right to Know: Information and the Media*, Ed Roumeen Islam, Washington D: The World Bank.

Brady, A. (2011). "**The Middle Ground between Technology and Revolutions**", *Technology Review* Web log comment, [Accessed on 26 February 2012] at: <http://www.technologyreview.com/blog/guest/27110/>

- Brian, Ross- Cole, Matthew, (2011). **“Egypt: The Face That Launched a Revolution”**, ABC News, [Accessed on 19 March 2012] at: <http://www.ABCNews.com/>
- Carvin, Andy, (2011). **“Sidi Bou Zid: a Jasmine Revolution in Tunisia”**, Storify, [Accessed on 17 January 2012] at: <http://storify.com/acarvin/sidi-bou-zid-a-jasmine-revolution-in-tunisia>
- Cole, Ben, (18 April 2011). **“The web as a spotlight: an alternative look at technology in the Arab Spring”**, The Huffington Post, [Accessed on 26February 2012] at: http://www.huffingtonpost.com/ben-cole/the-web-as-a-spotlight-an_b_850679.html
- Comminos, A. (2011). **“Twitter Revolutions and Cyber Crackdowns: User-Generated Content and Social Networking in the Arab Spring and Beyond”**, Association for Progressive Communications (APC), [Accessed 26February 2012] at: http://www.apc.org/en/system/files/AlexComminos_MobileInternet.pdf
- El Hamamsy, Walid, (September 2011). **“BB= Black Berry or Big Brother: Digital Media and the Egyptian Revolution”**, Journal of postcolonial writing, vol.47, no.4.
- El Kodsy, Heba - Hany, Mohamed, (26 January 2011). **“Weekend protests in US and UK against Khalid Saied’s murder”**, Almasry Alyoum.
- El Marsfawy, Mustafa, Semika, Mohsan & Hany, Mohamed, (21June2010). **“Security thwarts protest over Saied’s death”**, Egypt Independent, at: <http://www.egyptindependent.com/news/security-thwarts-protest-over-saeeds-death>
- Farell, Henry, (2006). **“Bloggers and Parties can the net roots reshape American democracy?”** Boston review 31, No.5
- Fischer, C. (1992). *America Calling*, Berkeley: University of California Press.
- Gerkin, M.Cedi (2011), **“word of click”**, [Accessed on 30January 2012] at: <http://bad.eserver.org/2011/word-of-click.html>.
- Gharbia, sami, (2 May 2011). **“digital Activism: Arabs Can Do It themselves”**, Heinrich Böll Stiftung, Special Issue, at: http://www.lb.boell.org/downloads/Perspectives_0213_Interview_with_Sami_Ben_Gharbia.pdf.
- Ghonim, Wael, (2011). **“inside the Egyptian revolution”**, TED talk [Accessed on 2 May] at: http://www.ted.com/talks/wael_ghonim_inside_the_egyptian_revolution.html
- Gladwell, Malcolm, (March/April 2011), **“An absence of evidence”**, Foreign Affairs, No.2.
- Gladwell, Malcolm, (4 October 2010), **“Small Change”**, the New Yorker.
- Howard, Philip N. & others (2011). **“Opening Closed Regimes: What Was the Role of Social Media during the Arab Spring?”**, Project on information Technology and Political Islam, University of Washington. [Accessed on 30 January 2012] at: <http://www.scribd.com/doc/66443833/Opening-Closed-Regimes-What-Was-the-Role-of-Social-Media-During-the-Arab-Spring>
- Howard, Philip N. (2010). *Digital Origins of Dictatorship and Democracy: the Internet and Political Islam*, Oxford: University Press.
- Howard, Philip N. (2009). **“Revolution in the Middle East Will be Digitized (Maybe Next Year)”**, *Miller-McCune* 2, No. 7.
- Huang, C. (2011). **“Face book and Twitter key to Arab Spring uprisings”**, Report: The National Review of the Arab Social Media Report, the Dubai School of Government, [Accessed on January 2012] at: <http://www.thenational.ae/news/uae-news/facebook-and-twitter-key-to-arab-spring-uprisings-report>.

- سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱ ❖ Hayden Goran, Leslie Michael, Ogundimu Folu F. (2002). *Media and Democracy in Africa*. Uppsala: Nordiska Africa Institute.
- Jarvis, Jeff, (17 March 2011). "America's absurd stab at systematizing sock puppetry", the Guardian.
- C. York, Jillian (7 February 2011). "Our Hero, Weal Ghonim", *Global Voices*, at: globalvoicesonline.org/2011/.../egypt-our-hero-wael-ghoni
- Johns, Toby C. & Shehabi, Ala'a, (January 2, 2012). "Bahrain's revolutionaries", The Middle East Channel, [Accessed on 14 July 2012] at: http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2012/01/02/bahrains_revolutionaries
- Joseph, S. (2011). "Social Media, Human Rights and Political Change", Working Paper, Vol.1 [Accessed on 14 December 2011] at: <http://ssrn.com/abstract=1856880>.
- Joyce, Daniel, (1 March 2011). "New media witnessing and human rights", *Human Rights Defender*, Vol. 20.
- Khoury, Doreen, (2011). "Social Media and Revolutions: How the Internet Revived the Arab Public sphere and Digitalized Activism", Heirich Böll Stiftung, Special Issue, 2 May 2011.
- Levy, S. & Cohen, J. (2011). "Jared Cohen: The Engine of Freedom", For. TV, [Accessed on 10 February 2012] at: http://fora.tv/2011/06/22/Jared_Cohen_The_Engine_of_Freedom#Jared_Cohen_The_Rol_of_Tech_in_Arab_Spring_Protests.
- Londono, Ernesto, (19 March 2011). "Egyptian Man's Death Became Symbol of Callous State", Washington Post.
- Lubrano, A. (1997). *The Telegraph: How Technology Innovation Caused Social Change*. New York: Garland Publishing, Inc.
- Lynch, Marc, (2006). "Voices of the New Arab public: Iraq, Al-Jazeera, and Middle East politics today", New York: Columbia University press.
- Lynch, Marc, (2007). "Blogging the new Arab public", Arab Media Society, Issue 1, [Accessed on 15 December 2011] at: <http://www.arabmediasociety.com/?article=10>
- Mirani, Leo, (2 October 2011), "Sorry Malcolm Gladwell, the revolution may well be tweeted", The Guardian.
- Morozov, Evgeny, (January/February 2011). "Freedom.gov", *Foreign Policy*, No.1.
- Morozov, Evgeny, (7 March 2011). "Facebook and Twitter are just places revolutionaries go", *The Guardian*.
- Morozov, Evgeny, (2009). "citing Holger Lutz Kern and Jens Hainmueller, Opium for the masses: how foreign media can Stabilize Authoritarian Regimes", 17 *Political Analysis*, Vol. 4.
- Morsi, Hani, (2011). "the virtualization of Dissent: Social Media as a catalyst for change" [Accessed on 15 February 2012] at: <http://www.hanimorsi.com/blog/index.php/archives/2011/02/15/the-virtualization-of-Dissent-social-media-as-a-catalyst-for-change.>
- Preston, Jennifer, (5 February 2011). "Face book and YouTube Fuel the Egyptian Protests", The New York Times.
- Schemm, Paul, (3 February 2011). "Egypt cafe owner describes police beating death", The San Diego Union-Tribune.

- Schillinger, R. (2011). **“Social Media and the Arab Spring: What Have We Learned?”**, The Huffington Post Web log comment, [Accessed on 20 December 2011] at: http://www.huffingtonpost.com/raymond-schillinger/arab-spring-social-media_b_970165.html
- Sen, Amartya, (1999). *Development as Freedom*, New York: Anchor Books.
- Shadid, Anthony, (23 April 2011). **“Exiles shaping world’s image of Syria revolt”**, The New York Times.
- Shapiro, Samantha M, (15 February 2009). **“Revolution, Face book-Style”**, The New York Times.
- Shirky, Clay, (April 2011). **“The Political power of social media”**, Foreign Affairs, No.2.
- Shirky, Caly, (April 2011). **“In reply to Malcolm Gladwell, An Absence of Evidence”**, Foreign Policy, No.2.
- Tarek, Osman, (2010). *Egypt on the Brink*, Yale University Press.
- Tsotsis , Alexia, (2011). **“We're Now Watching ”**, online news network, [Accessed on 31 January 2012] at: <http://techcrunch.com/2011/01/31/you/>.
- Tufekci, Zeynep, (January 2011). **“Delusions aside, the net’s potential is real”**, The Atlantic.
- United Nations ILO(2011), Department of Statistics, at: <http://laborsta.ilo.org/>.
- Wheeler, David, (2011). **“Arab Spring really was social media revolution”**, TG Daily, [Accessed on 2 April 2012] at: www.tgdaily.com/.../58426-arab-spring-really-was-social-media-revolution.
- Wolman, David, (April 2011). **“The Instigators”**, the Atavist, Issue no. 4.
- Zeynep, Tufekci, (22 January 2011). **“Delusions aside, the net’s potential is real”**, The Atlantic.
- Zuckerman, Ethan, (2011). **“What if Tunisia had a revolution, but nobody watched?”** [Accessed on 12 January 2012] at: <http://www.ethanzuckerman.com/blog/2011/01/12/what-if-tunisia-had-a-revolution-but-nobody-watched/>
- Zuckerman, Ethan, (2008). **“The Cute Cat Theory Talk at E Tech”**, [Accessed on 22 April 2012] at: www.ethanzuckerman.com/blog/2008/03/08/the-cute-cat-theory-talk-at-etch/:6.

Archive of SID